

باورهای عامیانه ترکمنان (بخش چهارم)

باورهای مرتبط به سوگواری

(قسمت نخست)



ترجمه و تألیف: آنادردی کریمی *

چکیده

هر قوم یا گروه جمعیتی بسته به خاستگاه فرهنگی - جغرافیایی خود برخوردی متفاوت با مسئله‌ی مرگ داشته و دارند، که این نوع برخوردها بنا بر پذیرش ادیان و مذاهب، تغییر محل سکونت، آمیختگی با دیگر اقوام، ورود مدرنیته و ... می‌تواند دست‌خوش تغییرات و تحولاتی شود. قوم ترکمن به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین اقوام سرزمین استرآباد و گرگان (استان گلستان) از جمله اقوامی هستند که دارای فرهنگ بومی بسیار بارز و شاخص بوده و با وجود تحولات بسیار زیادی که در گذر زمان در نحوه‌ی زندگی آنان ایجاد شده، هنوز به بسیاری از باورها و شاخص‌های فرهنگی خود پایبند هستند. این پژوهش با استفاده از شیوه‌ی بینابین کتابخانه‌ای و گفت‌وگوی شفاهی انجام شده و سعی شده باورهای عموم تیره‌ها و طوایف ترکمن، به ویژه، ترکمنان ایران و بالاخص ترکمنان ساکن در استان گلستان، مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قوم ترکمن - باورها - مرگ - سوگواری

مقدمه

مرگ و رحلت انسان از این دنیا و رفتن به دنیای دیگر، از مفاهیمی است که از دیرباز اندیشه‌ی آدمیان را سخت به‌خود مشغول داشته است. آن‌گاه که آدمی سفر آخرت را درپیش می‌گیرد و از میان دیگران رخت برمی‌بندد، نزدیکان، دوستان و آشنایان او در غم فراق و اندوه او مراسم مختلفی را برگزار می‌کنند. در میان ترکمنان نیز هم‌چون دیگر جوامع، در این ارتباط مراسم و باورها و نگرش‌هایی وجود دارد. ما در این نوشتار تلاش خواهیم کرد که این موارد را توضیح دهیم. در این شماره از فصلنامه میرداماد باورهای مربوط به سوگواری مردگان، از زمان احتزاز شخص در حال مرگ تا تدفین و در شماره‌ی آتی مسائل پس از تدفین شرح داده خواهد شد.

* نویسنده، مترجم و پژوهشگر فرهنگ و ادبیات ترکمن



از احتزار تا مرگ

اگر فردی در بستر بیماری باشد و انتظار مرگ او برود، خانواده و اقوام و دوستان دور و بر او جمع می‌شوند. در این هنگام بلند بلند سخن نمی‌گویند. از شوخی‌های بی‌جا و بی‌مورد خودداری می‌کنند. از امور دنیوی سخن به میان نمی‌آورند. ترکمنان بر این باورند که باید خواسته‌های شخص محتضر برآورده شود. «اگر در لحظه‌های آخر نزدیک‌ترین افراد کنار محتضر باشند، مرحوم خرسند می‌شد و این لحظات سخت را به سهولت می‌گذرانند.^۱ در میان ترکمن‌ها مرسوم است، هنگامی که شخص محتضر است، او را در اتاقی خلوت در بستر رو به سمت شمال و نه قبله می‌خوابانند و بر این باور هستند که قبله برای افراد سالم و سرزنده است. در کنار شخص محتضر اغلب ریش سفیدان، افراد خانواده، ملاقاری و ... برای طلب شفاعت و دور کردن ترس از مرگ می‌نشستند و برای وی قرآن خوانده و دعاهای نظیر ایمان به باورها و معتقدات آیینی خود، توبه و شهادتین و ... برای وی زمزمه می‌کردند. افراد ناپاک، تارک‌الصلواه و زنان جوان حق ورود به اتاق را ندارند.^۲

اطلاع‌رسانی و نگاه داشتن جسد

پس از فوت شخص، به اقوام و آشنایان او اطلاع داده می‌شود. خبر مرگ هم با عبارات‌های مناسب اطلاع داده می‌شود و از گفتن عبارت مستقیم «فلانی مُرد» خودداری می‌کنند و «آن را جمله‌ای غیر مؤدبانه و ناشایسته می‌دانند^۳ و به جای آن عبارات‌های دیگری نظیر «فلانی آیریلدی» (فلانی در گذشت)، «فلانی اماناتینی تابشیردی» (فلانی امانتش را تحویل داد)، «باقیته گوچدی» (به سرای باقی کوچ کرد) و ... (همان) را به زبان می‌آورند.

اگر چه به‌طور معمول ترکمنان چندان نمی‌پسندند که میت را زیاد در خانه نگه دارند. هم‌چون سایر مسلمانان پس از فوت شخص، فوراً به فکر خیر دادن و شست‌وشوی او و برگزاری نماز میت و ... می‌افتند. اما در مواردی ناچار می‌شوند که متوفی را یک شب در خانه‌ی خودش نگه دارند. وقتی که شخصی در هنگام بعدازظهر از دنیا می‌رود و امکان تدفین او نباشد، به اصطلاح مرحوم را به عنوان «مهمان» در خانه نگه می‌داشتند. در چنین وضعیتی برخی از رسوم و باورها در میان ترکمن‌ها وجود دارد. البته بین قبایل و طوایف ترکمن‌ها تفاوت‌هایی هم مشاهده می‌شود. ترکمنان «مرحوم را تنها نمی‌گذارند و یک نفر در کنار او به‌طور مستمر می‌ماند. با فرارسیدن شب، شمع و یا چراغی روشن می‌شود. طبق باور مردم به خاطر این که روح متوفی در تنگنا نیفتد، کنار او نگهبانی داده می‌شود.^۴ تاتیلی‌اوغلو این مورد را چنین توضیح می‌دهد: در اتاقی که مرحوم را به عنوان مهمان نگه داشته‌اند؛ شمع روشن می‌کنند. ارواح خبیث چون جن و یا شیطان از نور و آتش می‌گریزند و به جسد متوفی آزار نمی‌رسانند^۵ و به بیان دیگر، این امر به خاطر مراقبت و خبردار شدن از

۱. الیاسوواوا، ۲۰۰۵: ۱۹۰.

۲. میرمیران سلاکجانی، ۱۳۹۴: ۱۷۴.

۳. قوچق، ۱۳۸۶: ۴۶.

۴. چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۰.

۵. تاتیلی‌اوغلو، ۱۹۹۹: ۲۵، به نقل از چاکتر، ۲۰۱۴.



جسد متوفی انجام می‌شود.^۶ در ضمن بر طبق باور موجود در میان مردم، ارواح، شعله‌های آتش را دوست می‌دارند.^۷ در ضمن فردی که در کنار مرحوم مانده است، باید از خوردن، نوشیدن و صحبت کردن از امور دنیوی خودداری ورزد؛ چراکه این موارد بی‌ادبی به میت محسوب می‌شود.^۸ ضمن آن‌که «نباید حرف بزند و بخوابد. باید او را از هجوم هر نوع حشره‌ای محافظت کند.^۹ در غیر این صورت، همان‌طور که آمد، ترکمنان سعی می‌کنند هر چه زودتر مرحوم را به خاک بسپارند. اگر چنین نکنند «مرحوم خود را فردی تصور می‌کند که در میان آتش تنور می‌سوزد»^{۱۰} و عذاب می‌کشد.^{۱۱} به هر حال، وقتی عضوی از یک خانواده‌ی ترکمن فوت می‌کند، اعضای خانواده، او را کف یکی از اتاق‌ها رو به قبله می‌خوابانند، چانه و پاهای متوفی را بسته و به انتظار رسیدن اقوام می‌نشینند.^{۱۲} قبل از پرداختن به موضوع دیگر، بهتر است به این باور در میان برخی از نَخُورلی‌ها هم اشاره کنیم: وقتی که جنازه در خانه هست، اگر کسی عطسه کند، با یک نصفه نان به پشت آن شخص ضربه می‌زنند و در برخی مناطق با یک قرص نان چنین کاری می‌کنند. پس از آن، نان را به بیابان می‌اندازند تا حیوانات وحشی آن را بخورند. این عمل بدین خاطر انجام می‌شود که مرحوم آن فرد عطسه‌کننده را با خود نبرد و اگر هم خواست کسی را به همراه خود ببرد، از میان حیوانات وحشی این مورد را انتخاب کند و ببرد.^{۱۳}

غسل

در مرحله شست‌وشوی متوفی به برخی از آداب و رسوم و باورهای عامیانه برمی‌خوریم. در این مرحله حتماً باید خویشاوندان متوفی حضور داشته باشند. وقتی که زنی از دنیا می‌رود، باید زن برادر و یا یکی از نزدیکان او در شست‌وشوی میت مشارکت کنند.^{۱۴} و اگر کسی از میان خویشاوندان پیدا نشود؛ در این صورت از میان اقوام دور، هم‌روستائیان، فامیل‌های دور و حتی افراد بیگانه می‌توانند در این کار شرکت کنند.^{۱۵} متوفی اگر مرد باشد، زن‌ها از صحنه غایب‌اند، حتی اگر همسر، دختر، خواهر یا مادر او باشند و اگر شخص فوت شده زن باشد، هیچ مردی حق حضور در محل غسل ندارد.^{۱۶}

ترکمنان شرکت در این کار را ثواب می‌دانند و «هر شخص باید در شستن هفت میت مشارکت

۶. رک. اؤرأیف، ۱۴۰۰: ۲۲۶.

۷. همان‌جا.

۸. همان‌جا.

۹. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۲.

۱۰. همان: ۱۸۴.

۱۱. کالافات، ۲۰۱۰: ۲۲۵.

۱۲. طلّیعی، ۱۳۹۶: ۹۵.

۱۳. نوروزی، ۱۴۰۰.

۱۴. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۲.

۱۵. همان‌جا.

۱۶. طلّیعی، ۱۳۹۶: ۹۵.



کند. اگر بیشتر از این مشارکت نماید، جزو ثواب‌هایی به حساب می‌آید که به دست آورده است.^{۱۷} البته امروزه در اکثر روستاها و شهرهای ترکمن‌نشین افراد خاصی از مردان و زنان عمل شست‌وشوی میت را در خانه‌ی متوفی انجام می‌دهند.

فردی که در شست‌وشوی متوفی شرکت می‌کند، باید دست، اندام و قلبش پاک باشد.^{۱۸} شستن میت باید از سمت چپ شروع شود.^{۱۹}

در گذشته در دیگی آب گرم می‌کردند تا از آب ولرم برای شست‌وشوی میت استفاده کنند. ابریقی هم تهیه می‌کردند. از نظر ترکمن‌ها درست آن بود که «طاس را با یک دست گرفته و ابریقی را با دو دست گرفته آب بریزند».^{۲۰} یکی از نکات مهم در مرحله شستن بدن میت، آن بود که بدن او به خوبی شسته و هم‌چنین از مواد خوشبو هم استفاده شود. و این البته بدون دلیل نبوده است. «بر طبق باور دینی بعد از تدفین متوفی، در ابتدا به محل او فرشته‌ها پروازکنان می‌آمدند و جویای حال او می‌شدند. در چنین حالتی اگر از جسد متوفی بوی ناخوشایند به مشام برسد، مانع بسیار نزدیک شدن فرشته‌ها به او می‌شود.^{۲۱} بنابراین «هر چقدر که بدن میت تمیز باشد، برای فرشته‌ها نزدیک شدن به او و خیر گرفتن از او راحت‌تر و بردن روح او به دنیای ابدی آسان می‌شود».^{۲۲} به عبارت دیگر «بر طبق باور ترکمنان، اگر متوفی بوی خوب بدهد، فرشته‌ها به او در پاسخ دادن به سؤالات پرسیده شده در قبر کمک می‌کنند، ولی اگر بوی ناخوشایند بدهد، از او می‌گریزند. به همین خاطر متوفی را با صابون خوشبو و آب ولرم می‌شویند».^{۲۳} از دیدگاه شرعی هم به هنگام وفات و تدفین، پاک و تمیز بودن متوفی بسیار ثواب دارد^{۲۴} و بر طبق نظر اسلام، هر انسانی که به دنیا می‌آید پاک و بی‌گناه و مثل فرشته است. بنابراین در هنگام فرستادن او نزد فرشته‌ها، او را پاک و تمیز و عطرآگین می‌کنند.^{۲۵}

– بر طبق یکی از باورهای عامیانه «اگر در مرحله شستن متوفی بدنش شل و وارفته باشد، می‌گویند: پس از او مرگ تکرار می‌شود و اگر بدن متوفی سفت باشد، در آن خانواده مرگ به زودی تکرار نمی‌شود».^{۲۶}

در ارتباط با آب، دستکش و پارچه استفاده شده در مرحله شست‌وشوی متوفی نیز باورهایی وجود دارد.

۱۷. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۲.

۱۸. همان: ۱۸۵.

۱۹. همان: ۱۸۴.

۲۰. تاتیلی اوغلو، ۱۹۹۹، به نقل از چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۱.

۲۱. اؤرأیف، ۱۴۰۰: ۲۲۸.

۲۲. همان‌جا.

۲۳. چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۱.

۲۴. اؤرأیف، ۱۴۰۰: ۲۲۸.

۲۵. چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۱.

۲۶. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۴.



- موقع شستن میّت، باید آب را یکسره و بدون قطع کردن، روی بدن میّت ریخت.^{۲۷}
 - آبی که میّت با آن شسته شده، باید در جای بسیار دور که پایمال نشود، ریخته شود.^{۲۸}
 - اگر از جایی که آب میّت شسته ریخته شده، بی موقع عبور کنی، جن زده می شوی.^{۲۹}
 - بنا بر رسم و عادت، مرده‌شورها دستکش می پوشند و جلوی بدن خود پیش بند پارچه‌ای می بندند. این چیزها و همچنین پارچه‌ای را که با آن بدن میّت را تمیز کرده‌اند و علفی را که زیر میّت پهن نموده‌اند؛ در جای دور از دسترس و رفت و آمد مردم انداخته‌اند.^{۳۰} در ضمن، این دستکش و پارچه‌ی پهن شده زیر میّت را نباید سوزاند.^{۳۱}
 - این نکته نیز باید یادآوری شود که فردی که مرحوم را می شوید، بعد از شست و شو نباید درباری او حرف بزند یا سخن بگوید.^{۳۲}

تابوت و تشییع

پس از شست و شو و اقدامات دیگر، میّت را «کفن کرده و در پارچه، نمد یا قالی می گذارند.^{۳۳} میّت را که در تابوت گذاشتند، صاحبان عزا و اطرافیان، او را برای خواندن نماز میّت می برند. در این جا ضرورت دارد قبل از پرداختن به بحث نماز میّت برخی دیگر از آداب و رسوم و باورها ذکر شود.
 - در برخی مناطق تابوت را با جاشوهای ابریشمین^{۳۴} تزیین می کنند. «تنها کاربرد جاشوهای ابریشمین در زمان حال، تزیین تابوت مرده است. بدین طریق که جاشورا تا گورستان بر روی مرده، پهن می کنند و فلسفه آن، تقدس ابریشم است در نزد ترکمن‌ها».^{۳۵} در ضمن، در نزد نُخورلی‌ها «بعد از گذاشتن متوفی در تابوت، حتماً باید در زیر سر او، سجاده نمدی درست شده از پشم گوسفند گذاشته شود»^{۳۶} موقع بیرون بردن متوفی ابتدا او را از طرف سر بیرون می برند.^{۳۷} در نزد برخی از طوایف ترکمن، چنین رسم و باوری است که در هنگام بیرون بردن تابوت، حاملان تابوت در آستانه‌ی در می ایستند و تابوت را بر زمین می گذارند و خود برمی خیزند و دوباره تابوت را برمی دارند. این کار سه بار انجام می گیرد.^{۳۸} این عمل به دلایل زیر انجام می شود:
 - با این باور که آخرین فرصت خداحافظی با خانه و کاشانه و عزیزان را از مرحوم دریغ نکنند.^{۳۹}

۲۷. غوچ مترادوف، ۱۹۹۵: ۹.

۲۸. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۴.

۲۹. اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۵۱.

۳۰. اؤرأیف، ۱۴۰۰: ۲۳۲.

۳۱. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۴.

۳۲. همان: ۱۹۱.

۳۳. کسراییان، ۱۳۷۰: ۲۴.

۳۴. اعظمی راد، ۱۳۸۲: ۱۲۹.

۳۵. همان جا.

۳۶. نوروزی، ۱۴۰۰.

۳۷. اؤرأیف، ۱۴۰۰: ۲۳۶.

۳۸. بدخشان، ۱۳۹۹.

۳۹. همان جا.



- میّت سه بار با اعضای خانواده قطع رابطه می‌کند و [چنین پیام می‌دهد] که بعد از این، هیچ شخصی از شما به دنبال من نیاید. بعد از فوت من کسی از شما از دنیا نرود و بعد از این مرده‌ای از این خانه خارج نشود. من قول می‌دهم که از خانواده چیزی نگیرم.^{۴۰}

- این عمل توضیح این نکته است که متوفی برای آخرین بار از خانه‌اش خارج می‌شود.^{۴۱} تابوت را در ابتدا چهار نفر از نزدیک‌ترین خویشاوندان مرحوم و اقوام نزدیک تا فاصله‌ی ده قدم برمی‌دارند و اگر تا چهل قدم ببرند، ثواب بسیاری به دست می‌آوردند. بعد از آن، بقیه‌ی افراد می‌توانستند در حمل تابوت مشارکت کنند.^{۴۲} درضمن، موقع حمل تابوت، جلوی تابوت را باید پسر مرحوم بردارد و اگر مرحوم پسر نداشته باشد، نزدیک‌ترین فرد به متوفی باید چنین کاری کند.^{۴۳} در میان مردم، دست زدن به تابوت «بیگ» و «خان» صاحب اعتبار و محترم، افراد صاحب‌نام و یا شخصیت‌های مذهبی صاحب‌کرامت و پیر طریقت و هم‌چنین فرد بسیار کهن‌سال، ثواب محسوب می‌شد. هرکس تلاش می‌کرد که صاحب چنین حرمت و عزّتی بشود.^{۴۴}

در ارتباط با تابوت، بهتر است موارد دیگر را هم اضافه کنیم:

- از زیر تابوت به این طرف و آن طرف رفتن گناه است.^{۴۵}

- چنان‌که مردم با تشییع‌کنندگان جنازه مواجه شوند، اگر نشسته باشند، تا زمانی که حمل‌کنندگان تابوت از مقابل‌شان عبور کنند، سرپا می‌ایستند و اگر در حال راه رفتن باشند، توقف کرده و یا سرعت خود را کم می‌کردند.^{۴۶}

- عبور کردن از جلوی تشییع‌کنندگان تابوت به سوی آرامگاه و نیز از زیر تابوت به این سو و آن سو رفتن معقول شمرده نمی‌شده است. مردم عبور از جلوی تابوت و توقف آن را اجازه نمی‌دادند و ممانعت می‌کردند.^{۴۷}

- در گذشته، روزی که قرار بود جنازه از خانه بیرون برده شود، تابوتی از چوب ساخته می‌شد. برای ساختن تابوت دو چوب بلند را انتخاب می‌کردند. اولاً درازای این چوب با توجه به قَدِ میّت انتخاب می‌شد و حتی باید کمی از قَدِ میّت هم درازتر می‌بود. دوم این‌که ضخامت این چوب انتخاب شده، باید به گونه‌ای می‌بود که تحمل وزن میّت را داشته باشد. چنان‌که برای ساختن تابوت چوب ضعیف انتخاب شود و آن هم موقعی که میّت روی آن قرار دارد و در دست تشییع‌کنندگان بشکند و متوفی تکان بخورد؛ نشانه و علامت بسیار بدی محسوب می‌شده است و حتماً بعد از سپری شدن هفتم مرحوم باید در راه خدا طعام می‌دادند. این کار با این باور انجام می‌شد که

۴۰. نوروزی، ۱۴۰۰.

۴۱. رک، چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۱.

۴۲. اُورْأیف، ۱۴۰۰: ۲۴۰.

۴۳. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۵.

۴۴. اُورْأیف، ۱۴۰۰: ۲۴۰.

۴۵. همان: ۴۹.

۴۶. همان: ۲۴۱.

۴۷. همان‌جا.



جنبیدن و تکان خوردن میّت سبب ناآرامی و اضطراب در زندگی بازماندگان نشود. تابوت به شکل نردبان درست می شده است و ابتدا با توجه به اندام مرحوم تهیه می شده است. تابوت را به گونه‌ای می ساختند که میّت به خوبی در آن جای بگیرد. سازندگان تابوت، در پنج و هفت قسمت عرض چوب انتخاب شده، تکه‌های چوب را به صورت پله می کوبیدند. به همین خاطر در فرهنگ و آداب ترکمن به تابوت، «هفت تکه چوب» هم گفته‌اند. علت ساخت تابوت از هفت تکه چوب، ریشه در باورهای عامیانه‌ی ترکمن‌ها در باب تقدّس و خوش‌یمن بودن عدد هفت، داشته است. اگر چنان‌که پنج یا هفت پله‌ی این نوع تابوت برای درازای میّت کم باشد؛ تعداد پله‌ها را تا نه پله هم افزوده‌اند. اگر یکی از دلایل ساختن تابوت به صورت نردبان با پلکان، کمی چوب باشد، از سوی دیگر این مورد به‌خاطر مفهوم مجازی آن است؛ بدین معنا که صعود آن مرحوم به واسطه‌ی این نردبان از دنیای فانی به دنیای جاودان است و با کمک آن به عرش می‌رسد.^{۴۸}

- اگر جوان مجرد - چه دختر و چه پسر - از دنیا برود، بر تابوت او پارچه‌ی تزئین شده‌ای چون پارچه‌ای که بر کجاوه‌ی داماد گذاشته می‌شود، می‌گذارند. این مورد نشانه‌ی ناکام از دنیا رفتن متوفی است.

بعد از گذاشتن میّت در تابوت خارج کردن آن از خانه، نماز میّت خوانده می‌شود. ترکمنان شرکت در نماز میّت را ثواب می‌دانند. نماز میّت معمولاً در حیاط مسجد و یا در یک فضای باز به جماعت خوانده می‌شود. فرد روحانی پس از اتمام نماز، دعا می‌کند. «ترکمنان بر این باور هستند که دعای خیر خوانده شده در نماز میّت از سوی خداوند قبول می‌شود. این باور وجود دارد شخصی که در نماز میّت دعا می‌کند، انگار در باره‌ی خودش دارد دعا می‌کند.^{۴۹}

- در برخی مناطق ترکمنستان رسم بر این است که در داخل کفش نمازگزاران نماز میّت، پولی می‌گذارند.^{۵۰}

پس از پایان نماز و دعا، تابوت متوفی به سوی قبرستان برده می‌شود. ادموند ادُنُوَن انگلیسی در هنگام حضور در گمش تپه در دوران قاجار می‌نویسد: ترکمن‌ها «معتقدند کسانی که در بردن جنازه به قبرستان کمک کنند عمرشان دراز خواهد شد».^{۵۱}

باورهای مربوط به روز خروج میّت از خانه

- روزی که مرحوم از خانه بیرون برده می‌شود، در خانه‌ی او غذا و نان پخته نمی‌شود. چیزهای کثیف شسته نمی‌شود. تشک را نمی‌تکانند و داخل و بیرون خانه جارو نمی‌شود.^{۵۲}

- در برخی از مناطق نُخُورلی نشین به هنگام خروج میّت از خانه، پشت سر او سنگ می‌غلتانند. با این باور که دیگر متوفی برنگردد و از میان ما کسی را نبرد و به بیان دیگر از ما طمع را ببرد و

۴۸. اُورْایف، ۱۴۰۰: ۲۳۵.

۴۹. کالافات، ۲۰۱۰: ۲۲۲.

۵۰. قوجق، ۱۳۸۶: ۴۶.

۵۱. ادُنُوَن، ۱۳۹۶: ۲۲۸.

۵۲. اُورْایف، ۱۴۰۰: ۲۴۷.



ما را ترک کند. در واقع دیگر از بین اعضای خانواده کس دیگری فوت نکند.^{۵۳} البته این مورد در میان همه‌ی نُحُورلی‌ها متداول نیست. برای نمونه، چنین آدابی در میان نُحُورلی‌های ساکن روستای «بک پولاد» به هیچ‌وجه اجرا نمی‌شود.^{۵۴} اما، بعد از شستن و کفن کردن میت، در جایی که متوفی را گذاشته‌اند، سنگی می‌گذارند و آن سنگ تا پایان تدفین متوفی و مراجعت تدفین‌کنندگان از قبرستان به خانه‌ی مرحوم و فاتحه‌خوانی، همان‌جا می‌ماند و پس از آن، سنگ را بیرون می‌برند. با این نیت و باور که بعد از رفتن مرحوم، مرگ دیگری پیش نیاید و به عبارت دیگر مرگ از این خانواده قطع امید کند و خانواده‌ی متوفی در صحت و سلامت به زندگی خود ادامه دهند.^{۵۵}

- پس از بردن میت، قالیچه‌ای را به سبب دور سازی مرگ از این خانه تکان می‌دهند.^{۵۶}
 - وقتی که متوفی را روانه می‌کنند برای این‌که درگذشتگان، مرحوم تازه را نبینند، نم‌دی را که روی آن نشسته‌اند، باید محکم می‌تکانند تا جنازه در میان گرد و غبار برود. آنان بر این باور بودند که در گذشتگان اگر می‌دانستند تازه‌وارد از بستگان خودشان می‌باشد، ناراحت می‌شدند.^{۵۷}
 - به هنگام بیرون بردن جنازه از خانه، ظرف چینی شکسته می‌شود. با این کار روح متوفی یکه خورده و از کالبد او دور می‌شود و گرنه روح بال‌بال‌زنان چرخیده و بسیار خسته می‌شد و عذاب می‌کشید.^{۵۸}

- وقتی جنازه از خانه بیرون برده می‌شود، زنان و اقوام نزدیک متوفی با صدای بلند گریه‌وزاری می‌کنند. «طبق باورهای عامیانه، تا مرحله‌ی تدفین متوفی هرچه گفته می‌شود به گوش متوفی می‌رسد و او می‌شنود.»^{۵۹}

- اگر متوفی فرزند جوان و ناکام خانواده باشد، مادر و خواهرانش موهای خود را پریشان می‌کردند.^{۶۰} دو نکته‌ی دیگر را نیز مطرح می‌کنیم و به بحث این مرحله پایان می‌دهیم.
 - در برخی مناطق با این نیت که متوفی امیدش را قطع کند، به بچه‌ها صورت مرحوم را نشان می‌دهند. [برعکس] در برخی مناطق با این تصور که ممکن است بچه‌ها بترسند، از نشان دادن مرحوم به بچه‌ها اجتناب می‌کنند.^{۶۱}
 - ترکمن‌ها بر این باور بودند که قبل از بردن جنازه از خانه، نباید زنان حامله در آن‌جا حضور داشته باشند؛ چون به آنان چله می‌افتد. چنان‌که آن زن مجبور به حضور در آن‌جا شود، از کفن متوفی نخی می‌برند و به انگشت زن باردار می‌بندند.^{۶۲}

۵۳. نوروزی، ۱۴۰۰.

۵۴. آزادیان، ۱۴۰۰.

۵۵. همان.

۵۶. میرمیران سلاکجانی، ۱۳۹۴: ۱۷۵.

۵۷. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۵.

۵۸. همان: ۱۹۰.

۵۹. چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۴.

۶۰. اعظمی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۰۷.

۶۱. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۹۱.

۶۲. ملتی، شهین ۱۴۰۰.



تدفین

در ادامه به صورت بسیار مختصر به نحوه تدفین متوفی در میان ترکمنان استان گلستان اشاره شده و سپس باورهای مرتبط با آن را بیان خواهد شد. مشایعت کنندگان پس از رسیدن به محوطه قبرستان، تابوت را «در سکوت کامل بر شانه‌های خود تا نزدیک قبر حمل می‌کنند و آن‌جا به زمین می‌گذارند».^{۶۳} پس از آماده شدن قبر «مرده را که در جاجیمی پیچیده شده است، از تابوت درمی‌آورند و در سکوت کامل به عواملی که در قبر منتظرند، می‌سپارند. جنازه ابتدا روی قسمت کمتر گودشده‌ی قبر قرار می‌گیرد و عوامل مربوطه با زحمت تمام جاجیم را از زیر جنازه خارج کرده و با کمک هم در قسمت گودتر قبر به حالت طاق‌باز می‌خوابانند. سپس سه بند کفن را که بالای سر، پایین پا و کمر جنازه بسته شده، باز می‌کنند. گورکن یک برگ کاغذ را که دعایی بر آن نوشته شده از روحانی حاضر در مراسم می‌گیرد و آن را لای کفن مرده جای می‌دهد.^{۶۴} در ضمن به هنگام گذاشتن متوفی در قبر، باید شانه‌ی راست او کمی بالاتر و شانه‌ی چپ پایین‌تر قرار بگیرد. سپس صورت مرحوم را سه بار باید باد زد.^{۶۵}

در این مرحله باورهای عامیانه مختلفی وجود دارد.

- ترکمنان نخورلی، وقتی که جنازه را در گور داخلی می‌گذارند، هرکس یک مشت از خاک‌هایی که از قبر بیرون آورده شده، برمی‌دارد و یک بار سوره‌ی فاتحه و سه بار سوره‌ی اخلاص می‌خواند و در آن خاک می‌دمد و این خاک‌هایی را که افراد بالای قبر، روی آن آیاتی از قرآن را خوانده‌اند، جمع می‌کنند و داخل ظرفی یا پارچه‌ای و یا پلاستیکی می‌ریزند و قبل از بستن در گور داخلی، آن خاک‌ها را بر روی جسد می‌پاشند و بعد در گور داخلی را می‌بندند. اعتقاد بر این است که این آیات خوانده شده، به متوفی کمک می‌کنند. به نظر نخورلی‌ها وقتی که نکیر و منکر می‌آیند و از مرحوم سؤالاتی می‌پرسند، اگر در آن‌جا قرآن باشد، مرحوم به سؤالات مطرح شده به راحتی پاسخ می‌دهد.^{۶۶} بنابر این در این‌جا هم خاک‌هایی هست که بر روی آن‌ها قرآن خوانده شده است و قرآن به یاری متوفی در پاسخ دادن به سؤالات می‌آید.

- در هنگام فرستادن جنازه به داخل گور، باید بسیار دقت کرد تا بندهای بسته شده به کفن میّت، موقع باز کردن، به داخل قبر نیفتند. چون ترکمنان «بر این باورند که اگر چنین اتفاقی بیفتد، مرحوم به دنبال خود افراد دیگری را هم می‌برد».^{۶۷} اورایف در کتاب دیگر خود^{۶۸} در همین ارتباط چنین نوشته: اگر طناب بسته شده به کمر تابوت به داخل قبر بیفتد، پس از آن مرگ پیش می‌آید.^{۶۹} بعد از این‌که میّت در گور داخلی گذاشته شد و مراحل دیگر نیز انجام شد، افراد داخل گور بیرون

۶۳. طلبعی، ۱۳۹۶: ۹۶.

۶۴. همان: ۹۷-۹۶.

۶۵. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۵.

۶۶. نوروزی، ۱۴۰۰.

۶۷. اورایف، ۱۴۰۰: ۲۴۳.

۶۸. Yrymlar, aşgabat, ruh. (1993) Öräýew, arazbay.

۶۹. اورایف، ۱۹۹۳: ۴۹.



می‌آیند و مرحله‌ی ریختن خاک در داخل گور آغاز می‌شود. این مرحله نیز همراه با آداب و رسوم و باورهایی است.

- خاک ریختن ابتدا از سوی نزدیک‌ترین افراد متوفی انجام می‌شود. «در ابتدا پسر متوفی، برادر و نزدیک‌ترین فرد باید یک بیل خاک بریزند. اگر در موقع تدفین متوفی، نزدیک‌ترین فرد نباشد، می‌گویند او حتی یک خویشاوند نزدیک نداشت که یک بیل خاک بریزد.^{۷۰} و یا یکی از نزدیکان مرحوم مُشتی خاک می‌ریزد. پس از آن، به دیگران اجازه می‌دهند که داخل قبر خاک بریزند.^{۷۱} در میان نُخُورلی‌ها هم یکی از نزدیکان مرحوم مانند برادرش یک بیل خاک به قبر می‌ریزد و پس از او، بقیه‌ی حاضرین شروع به خاک ریختن می‌کنند. هر شخص نباید زیاد خاک بریزد و باید بگذارد که دیگران نیز در این کار مشارکت کنند. هرکس سه یا چهار بیل که خاک ریخت، بی‌آن‌که بیلش را به دست کس دیگری بدهد، باید آن را به گونه‌ای روی زمین بگذارد که سمت دهانه‌ی تیغه‌ی بیل به طرف پایین و پشت آن رو به طرف بالا باشد. نُخُورلی‌ها بر این باورند که اگر دهانه‌ی بیل به طرف بالا باشد، همیشه از افراد خاک می‌طلبد و برای افراد و اقوام آنان آرزوی مرگ می‌کند. پس آنان تأکید دارند که باید بیل را به گونه‌ای زمین بگذارند که آن طرف بیل که خاک برمی‌دارد رو به زمین باشد و باید در موقع اتمام کار هم این مورد رعایت شود.^{۷۲} در ضمن نباید بیل را به صورت قائم بگذارند.^{۷۳} در این مورد که هر نفر باید چند بیل خاک به قبر بریزد؟ در بین همه‌ی طوایف ترکمن اتفاق نظر نیست. در میان برخی از ترکمن‌ها «هرکس طبق سنت، هفت بیل خاک به داخل قبر می‌ریزد، بیل را به دیگری تحویل می‌دهد، تا همه‌ی حاضرین در صواب [ثواب] ریختن خاک روی جنازه سهیم شوند.^{۷۴}

چون سخن از بیل رفت، بهتر است به دو نکته‌ی دیگر نیز در این ارتباط اشاره کنیم: به باور نُخُورلی‌ها، تدفین‌کنندگان موقع بازگشت به خانه‌ی مرحوم، در آن‌جا هم باید بیل خود را وارونه بگذارند. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، اگر چنین نکنند، بیل از آنان طلب خاک و آرزوی مرگ می‌کند.^{۷۵} در مناطق دیگر، تدفین‌کنندگان پس از بازگشت از سر مزار، با این باور که مرگ تکرار نشود، باید دهانه‌ی بیل را به طرف بیرون گرفته و به صورت عمودی به دیوار خانه تکیه بدهند و پس از لحظاتی باید بیل را برداشته و آن را به صورت افقی روی زمین بگذارند.^{۷۶} در حالت‌های عادی هم نباید بیل را به صورت عمودی به دیوار تکیه داد، چون منتظر مرگ می‌ماند.^{۷۷}

- به باور دیگری می‌پردازیم. میّت را «در قبر رو به قبله دراز می‌کنند و در حالی که سوره انشراح یا سوره الاخلاص را بر تکه‌کاغذی نوشته‌اند در برابر چهره مرده به دیوار قبر می‌آویزند، به این نیت

۷۰. الباسوا، ۲۰۰۵: ۱۸۶.
۷۱. اؤرأیف، ۱۴۰۰: ۲۴۴.
۷۲. نوروزی، ۱۴۰۰.
۷۳. همان.
۷۴. طلیعی، ۱۳۹۶: ۹۷.
۷۵. همان‌جا.
۷۶. الباسوا، ۲۰۰۵: ۱۸۶.
۷۷. همان: ۱۹۲.



که وقتی مرده را برای سؤال و جواب بیدار می‌کنند، چشمش به آیات مبارکه بیفتد.^{۷۸} پژوهشگر دیگری در این ارتباط چنین می‌نویسد: ملاّ سوره‌ای از قرآن بر روی کاغذ می‌نویسد و آن را در درون گور، آن‌چنان می‌گذارد که مرده بتواند آن را «بخواند». ترکمن‌ها اعتقاد دارند که پس از این‌که مرده را گور کردند، فرشتگانِ مرگ - نکیر و منکر - نزد او می‌آیند. مرده، زنده می‌شود و فرشتگان از او درباره‌ی زندگیش بازپرسی می‌کنند. کاغذی که روی آن سوره نوشته شده است باید در پاسخ به فرشتگان، به مرده یاری دهد. تنها پس از این‌که مرده، پاسخ‌های راست و درستی بدهد، اجازه‌ی رفتن به بهشت را می‌گیرد.^{۷۹} نویسندگان دیگر از این مورد با عنوان «کوکرک دعا»^{۸۰} و یا «کوکرک دعا»^{۸۱} یاد کرده‌اند. با این اعتقاد که روح متوفی را از آسیب ارواح خبیثه حفظ می‌کند.^{۸۲} مراسم و باورهای مرتبط به این مرحله ادامه می‌یابد.

- «یک بار پس از خواندن نماز میت و بار دیگر پس از قرار دادن جنازه در قبر، روحانی حاضر، از مردم یک پرسش واحد را سه بار می‌پرسد، پرسشی به این مضمون که: «میت چگونه آدمی بود؟» و حاضرین معمولاً پاسخ می‌دهند: «آدم خوبی بود»، و بعد از آن برای مرده، طلب آمرزش می‌کنند.^{۸۳} البته حتماً لزومی ندارد که فرد پرسش‌کننده روحانی باشد. می‌تواند فرد دیگری نیز این پرسش را بپرسد. در ضمن «نباید درباره متوفی، صحبت‌های بیهوده و ناپسند به‌زبان آورد.»^{۸۴}

- عده‌ای از ترکمن‌ها بر این باورند که اگر خاکِ زمینی که جهت قبر مرده کنده می‌شود نرم باشد، متوفی آدم خوبی بوده است و اگر زمین سفت و یا در آن سنگ زیاد باشد، متوفی آدم خوبی نبوده است. در این حالت مردم دعا می‌کنند که خداوند به داد متوفی برسد.^{۸۵}

- کسانی که برای تدفین متوفی می‌روند، بعد از دفن او، بدون نگاه کردن به پشت سر، سریع باید برگردند. چون مرده فریاد می‌زند و می‌گوید مرا تنها نگذارید و با خود ببرید.^{۸۶} کسی که صدای مرده را بشنود، دچار بیماری سخت می‌شود^{۸۷} و یا زهره‌ترک می‌شود.^{۸۸} در میان نُخورلی‌ها هم چنین باوری وجود دارد. بعد از تدفین مرده و به‌جای آوردن مراسم دیگر «موقع برگشتن باید هفت قدم را خیلی سریع برداشت. چون میت فریاد می‌زند: وای مرا تنها نگذارید. هرکس که این صدا را بشنود، با همان صدا خواهد مرد. برای آن‌که صدای مرده را نشنوند، هفت قدم سریع برداشته می‌شود.»^{۸۹}

۷۸. پورکریم، ۱۳۴۹: ۴۸.

۷۹. لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۰۶.

۸۰. گلی، ۱۳۶۶: ۳۴۱.

۸۱. اعظمی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۰۳.

۸۲. همان‌جا.

۸۳. طلایی، ۱۳۹۶: ۹۶.

۸۴. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۶.

۸۵. پارسه، ۱۴۰۱.

۸۶. ملتی، نازی‌بی، ۱۴۰۰.

۸۷. اؤرأیف، ۱۴۰۰: ۲۴۶.

۸۸. همان‌جا و نیز ملتی، ارازبی‌بی، ۱۴۰۰.

۸۹. نوروزی، ۱۴۰۰.

- افراد شرکت‌کننده در خاکسپاری، پس از پایان کار تدفین، از محل قبر فاصله می‌گیرند. در جای دیگری از قبرستان در فضای بازتری آیاتی از قرآن خوانده می‌شود. «بازمانده‌گان متوفی به همه‌ی حاضران یک بسته‌ی کوچک بیسکویت و یک اسکناس ۵۰ یا ۱۰۰ تومانی به عنوان صدقه می‌دهند».^{۹۰} مبلغ پول داده شده در مناطق مختلف با هم تفاوت‌هایی دارد.

- اقوام نزدیک متوفی چون برادران، فرزندان، عموها و ... به جز زنان، در مراسم تدفین شرکت می‌کنند. اما در برخی از نقاط ترکمن‌نشین این‌گونه نیست. برای نمونه، هیچ‌کس از اقوام متوفای برخی از خانواده‌های ساکن روستای سارلی مختوم از روستاهای گنبدکاووس «در مراسم خاکسپاری مردان شرکت نمی‌کنند».^{۹۱} در این مورد برخی از پژوهشگران نوشته‌اند که «در فرهنگ ترکمن، پدر و فرزندان، برادران و همسر آن کس که مرده است حق ندارند در مراسم تدفین حاضر شوند و ناظر مراسم خاکسپاری باشند و در تمام هفته‌ی عزا هم حق ندارند سر خاک مرده بروند».^{۹۲} چون برخی از ترکمن‌ها باور دارند که «مرده از تنهایی خود در هراس است، اگر یکی از نزدیکان مرده در مراسم تدفین حضور یابد، مرده او را صدا می‌زند و می‌گوید مرا تنها مگذار، مرا تنها مگذار. اگر شنونده، خویشاوند نزدیک او باشد، ناگزیر دلش جواب موافق می‌دهد و همین پاسخ درونی باعث مرگ زودرس او خواهد شد».^{۹۳}

- در بالای برخی از قبور ترکمنان تکه هم نردبان چوبی به صورت عمودی گذاشته می‌شود. آنان بر این باورند که به واسطه آن روح متوفی به آسمان صعود خواهد کرد.^{۹۴} رمضان چاکتر پژوهشگر اهل ترکیه در ادامه چنین می‌نویسد: در بازدید از قبور قبرستان منطقه کهنه‌اورگنج، در بالای مزارها با تکه‌های هیزم، کاسه‌های چینی و قوری و در بالای برخی از قبور هم به نردبان‌های چوبی هفت‌پله‌ای برخوردیم. ما دریافتیم که این از باوری سرچشمه می‌گرفت، مبنی بر این که به واسطه نردبان هفت‌پله‌ای می‌توان به آسمان هفت طبقه صعود کرد.^{۹۵} اشیای قرار داده شده در بالای مزارها نیز تداوم یک باور قدیمی برای استفاده متوفی در هنگام زنده شدن است.^{۹۶}

منابع و مآخذ در دفتر فصلنامه موجود است.

۹۰. طلبعی، ۱۳۹۶: ۹۸.

۹۱. مختومی، عبدالحکیم، ۱۴۰۱. در

۹۲. آرخی، ۱۳۹۳: ۴۲.

۹۳. همان‌جا.

۹۴. کالافات، ۲۰۰۷: ۳۸۱، به نقل از چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۷.

۹۵. همان‌جا.

۹۶. چاکتر، ۲۰۱۴: ۲۱۷.